

<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>حَدِيث روز: امام باقر(ع); برادرِی لباس عالم است، پس تو خود را از آن عريان مدار.</p>
<p>واحه: بنده یک دل منم بند قیای ترا چاکریکتا منم زلف دوتای ترا</p>	<p>سنایی</p>	
<p>اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۲/۸؛ غروب آفتاب: ۱۷/۵؛ اذان مغرب: ۱۸/۰؛ طلوع خورشید(فردا): ۶/۴۳؛ اذان صبح(فردا): ۵/۲۰</p>	<p>وضعیت آب و هوای امروز</p>	<p>دوشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۰ ۱۹ رجب ۱۴۴۳ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۶۱۶۱ Monday - February 21, 2022</p>
<p>حکمت ۴۶۲: چه بسیار کسان که از ستودن دیگران فریفته و گمراه شده‌اند.</p>	<p>قم همدان اراک تبریز اهواز زاهدان مشهد تهران</p>	



پرسه‌ای در حوالی زندگی‌های کارمندی در گفت‌وگو با نویسنده کتاب «سبک زندگی کارمندی» «کارمند» به سلامت باد!



میثم اسماعیلی

روزنامه نگار

«بحث بر سر زندگی کارمندی بالا گرفته است، کجا؟ فضای مجازی، قصه این بار از اظهارنظر یک کاربر آغاز شده، او ادعا کرده کارمند جماعت اگر کمی از تفریحات معمولی‌اش، مشخصاً رفتن به کافه بزند، می‌تواند با حقوقش به سفرهای خارجی برود! واکنش اولیه و طنزانه به این ادعا این بود که حرف این کاربر فتوشاپ است! تعریف شده، شوخی است و حتما خواسته از حجم بالای کافه‌رفتن‌ها گلایه کند اما وقتی این موضوع داغ شد که به نظر می‌رسید نه تنها این ادعا شوخی نیست، بلکه موافقان سرسختی هم دارد. همین موضوع بحث را کشاند سمت زندگی کارمندی، خوبی‌ها و بدی‌ها، حسرت‌ها و دلخوشی‌ها، دودیدن‌ها و نرسیدن‌هایش. عده‌ای گفتند کارمندی روح آدم‌ها را فرسوده و ناتوان می‌کند، کارمندها را ترسو و حسرت‌زده بار می‌آورد و در مقابل عده دیگری حتی به همین وضعیت حسرت می‌خوردند و معتقد بودند هر چه باشد بالا‌خره کارمند جماعت می‌داند پایان ماه پولی در حسابش می‌نشیند و بیمه نیم‌بدی هم از آن‌ها حمایت می‌کند، در حالی که همین را حالا هم بسیاری ندارند. فارغ از مجادله‌های معیشتی بین موافقان و مخالفان زندگی کارمندی، پیش آمدن این موضوع زوایای پنهان دیگری را هم آشکار کرد، اتفاقاتی که زیر پوست این نوع زندگی در جریان است و باعث شکل گرفتن یک سبک زندگی با مولفه‌های ثابتی شده است.

ما همه کارمندیم!

حجم بالای اظهارنظرها پیش از هر چیز نشان از تعداد بسیار بالای کارمندان در ایران دارد؛ چیزی که احتمالاً منجر به پیدایی سبک زندگی مشابهی به نام سبک زندگی کارمندی شده است. یافتن آمار مستند درباره تعداد رسمی کارمندان شاغل در ایران کار آسانی نیست. هر نهاد و هر مسوولی در میانه حرف‌ها و مطالعات منتشر شده‌شان عددی را مطرح کرده‌اند. پایه آماری هر کدامشان هم متفاوت بوده و همین یکی از دلایل تناقض آماری تعداد کارمندان است. بازه عددی این آمار چنان فراخ و گسترده است که نمی‌توان آن را مبنای استدلالی کرد. به‌عنوان مثال همین چند ماه پیش مصطفی میرسلیم، عضو کمیسیون اصل ۹۰ مجلس گفته بود «در حال حاضر در ایران، سه و نیم میلیون کارمند وجود دارد که در مقایسه با کشورهای دیگر با این تعداد می‌توان تمام آسیا را اداره کرد.» چند هفته بعد اما گزارشی در خبرگزاری فارس منتشر شد که در آن به «تبعات ناگوار افزایش حقوق ۱۲میلیون کارمند» پرداخته بود، از ۳/۵ میلیون تا ۱۲میلیون نفر. اما چه سه میلیون باشد چه ۱۲میلیون سوال این است آیا شکل‌گیری سبک زندگی کارمندی به تعداد کارمندان در یک جامعه مربوط است؟

کارمندهای شما چه شکلی هستند؟

سیدابراهیم رئوف موسوی، پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی است که سال گذشته از او کتاب سبک زندگی کارمندی منتشر شده است. سوال اولیه از او پیرامون همین موضوع است، این‌که آیا تعداد بالای کارمندها باعث پیدایی یک نوع سبک زندگی شده یا نسبت و ارتباطی بین این دو مولفه نیست. پاسخ اولیه او منفی است. موسوی به جام‌چم می‌گوید «سبک زندگی کارمندی محصول شکل‌گیری سازمان‌های بروکراتیک است که محدود به کارمندها هم نیست. به نوعی حالا سبک زندگی بسیاری را سبک زندگی کارمندی می‌نامیم به این معنا حتی چوپانی که حالا در حال چرای گوسفندانش در دامنه کوهستان است هم به نوعی در محدوده سبک زندگی کارمندی قرار می‌گیرد.» با این توضیح شمایل تصویری ثابت خودمان را از کارمند باید تغییر بدهیم. این‌که مردی یا یک دست کت و شلوار تیره به تن همراه با کیف چرمی در دست هر روز صبح در صف ورود به مترو یا اتوبوس ایستاده لزوما در دایره کارمندان قرار نمی‌گیرد و تعریفی که از سازمان‌ها ارائه شده دایره مورد نظر ما را حتی به چوپانان پله در دشت‌ها هم تعمیم می‌دهد. اما وقتی حرف از سبک زندگی می‌زنیم لزوما باید مختصاتی از آن داشته باشیم، عیار سبک زندگی کارمندی چیست؟



عذاب وجدان از بیکاری در روز کاری

تعریف ما از سبک زندگی کارمندی چیست؟ مولفه‌های بسیاری در همین چند روز میان کاربران فضای مجازی مطرح شده است، پرتکرارترین‌شان مربوط به وضعیت نامناسب معیشتی کارمندان است. آن‌ها مدام اصرار دارند حقوق کارمندی اگر کفاف زنده بودن را بدهد، کفایت می‌کند و دیگر به زندگی نمی‌رسد. آن‌ها می‌گویند اولین پیامد این وضعیت حذف تفریح و سفر و فراغت از سبد خانوار کارمندهاست. علاوه بر این، موضوع مورد بحث دیگر مربوط به لایه دوم این پیامدهاست. این‌که خارج از معیشت، نبود امنیت اقتصادی کارمندها باعث شده است آن‌ها محافظه‌کار و بی‌جسارت بار بیایند. سیدابراهیم رئوف موسوی اما معتقد است مولفه‌های زندگی کارمندی محدود به جامعه ایرانی نیست. او به جام‌چم می‌گوید: «سبک زندگی جدید در فضایی شکل گرفته است که همه امورات مختلف زندگی با سازمان‌های بروکراتیک قید می‌خورد و شکل داده می‌شود. در تعاریف سازمانی معروف است که می‌گویند شما در سازمانی به نام بیمارستان متولد می‌شوید و در یک سازمان (که در ایران بهشت زهراست) هم از دنیا می‌روید. مولفه‌هایی هم دارد که خوشبختانه یا متأسفانه همه‌شان منفی است؛ به عنوان مثال زندگی کارمندی وقت شما را تقسیم می‌کند به زمان کاری و زمان غیرکاری. با این تقسیم‌بندی تلقی‌های جالبی هم شکل می‌گیرد؛ به عنوان مثال اگر کارمندان روز شنبه‌ای را به فراغت طی کنند دچار نوعی عذاب وجدان می‌شوند. این سبک زندگی به تغییر بسیاری از مفاهیم هم می‌انجامد به عنوان مثال فراغت در معنای دینی آن در مرتبه بالاتری از فراغت در فضای کاری است و به نظر می‌رسد سبک زندگی کارمندی آن را یکی کرده است.»

کارمندها؛ از عرش به فرش

در فرهنگ جامعه ایرانی تا دو دهه پیش زندگی کارمندی در مرتبه بالاتری قرار داشت و همواره از سوی خانواده‌ها به فرزندانشان توصیه می‌شد. به تعبیری از همان مثال معروف آب باریکه برای زندگی کارمندی استفاده می‌شد اما با طی شدن دو دهه اخیر و آوار مشکلات اقتصادی بر سر کارمندان، نه تنها دیگر این سبک زندگی توصیه نمی‌شود بلکه به نوعی در باور عموم مذموم است. تغییر جایگاه زندگی کارمندی طی دو دهه اخیر شگفت است. از جایگاهی که به آن حسرت می‌خوردند رسیده است به جایگاهی که هر کسی در آن دایره باشد مظلوم است. نویسنده کتاب سبک زندگی کارمندی معتقد است دنیای کارمندی از دور ظاهر جذابی دارد. او می‌گوید «درست است که خانواده‌ها این موضوع را به آب باریکه صورت‌بندی می‌کنند و ویژگی آن را حقوق ثابت‌ومستمر عنوان می‌کنند اما واقعیت این است این یک نوع فرهنگ نیست و در واقع محصول جذابیت کاذبی است که از بیرون زیبا به نظر می‌رسد.»

کافی

واحه: بنده یک دل منم بند قیای ترا چاکریکتا منم زلف دوتای ترا

اوقات شرعی: اذان ظهر: ۱۲/۸؛ غروب آفتاب: ۱۷/۵؛ اذان مغرب: ۱۸/۰؛ طلوع خورشید(فردا): ۶/۴۳؛ اذان صبح(فردا): ۵/۲۰



در دنیای تو ساعت چنداست؟

باوری است که بسیاری از خیال‌بازان با آن صبح را شب می‌کنند. این خیال جمعی که البته به کمک فیزیک کوانتوم رنگ علمی هم به خود گرفته است بارها سوزه سریال‌ها، فیلم‌ها و کتاب‌ها شده است. رویا و خواب هم راه به این جهان باز کرده است. بوده‌اند کارشناسانی که گفته‌اند همه خواب‌های ما برآمده از همان جهانی است که موازی می‌خوانیمش. اما در همین جهان واقعی هم انگار آدم‌هایی زیست می‌کنند که نسبتی با واقعیت پیرامون ما ندارند. همه مناسبات اجتماعی و اقتصادی اطراف ما برای آن‌ها جور دیگری است و جهان‌شان با ما فرق دارد. تا اینجا ی کار هم عیبی در کار نیست. قصه از جایی عجیب می‌شود که همین آدم‌ها از همان جهان خیالی‌شان ما را متهم به کم‌کاری می‌کنند. پیشرفت‌های احتمالی کاری‌شان را مرتبط می‌کنند به کم‌کاری دیگران. معتقدند اگر آن‌ها نواسته‌اند به هر دلیلی به موفقیتی دست یابند پس باید همه آدم‌های دیگر هم بتوانند و اگر این‌گونه نشده است پس دیگران بی‌لیاقتند. دریافت‌شان از چیزی به نام یک جامعه محدود است به جمع دوستانه یا خانوادگی کوچک‌شان. حکم این جمع (احتمالاً چاپلوس) به عنوان یک فرضیه کلی تعمیم داده می‌شود به یک جامعه چند ۱۰ میلیون. آدمی که برای چند جلسه مشاوره ۵۰۰ میلیون تومان ناقابل دریافت می‌کند مشکلی ندارد. نهایتاً می‌توان گفت زیر سایه خواب نهادهای ناظر دارد کاسبی‌اش را می‌کند اما قصه از جایی آژارد ه‌ننده می‌شود که همین مشاور چندصد میلیونی دیگران را متهم به تنبلی می‌کند. سخنرانی می‌کند و از معایب کارمندی می‌گوید و معتقد است آدم‌ها همه باید کارآفرین باشند. نمونه‌های مشابه این رویه کم نیست اما شگفت این‌که در سال‌های اخیر به‌شدت بیشتر به چشم می‌آید. توریلیدی که می‌گوید با حقوق کارمندی می‌توان به سفر خارجی رفت، احتمالاً با تعریف سفرخارجی را نمی‌داند یا درکی از حقوق کارمندی ندارد. سلب‌ریتی مجازی و بازنگر سابق که می‌گوید هر کسی بعد از ۳۰ سال به ثروتی نرسید از «بی‌عرضه‌گی‌اش» است یا فهمی از عرضه ندارد یا در خوشبینانه‌ترین حالت در یک جهان موازی دیگر زندگی می‌کند؛ جهانی که نمی‌دانیم در آن ساعت چند است.]

امروز در تاریخ:

✎ سالروز عملیات والفجر ۶ یا رمز «بازراه» که با هدف کاهش توان نیروهای دشمن و گمراه کردن آن‌ها از عملیات پیش‌رو در منطقه چذابه انجام شد. (۱۳۶۲ش)
✎ امروز از طرف یونسکو به‌عنوان روز جهانی زبان مادری نامگذاری شده است. نامگذاری این روز در کنفرانس عمومی یونسکو به منظور کمک به تنوع زبانی و فرهنگی انجام شده‌است. (۱۹۹۹م)

حکمت ۴۶۲: چه بسیار کسان که از ستودن دیگران فریفته و گمراه شده‌اند.



<p>کافی است ۷ صبح یک روز کاری در ایستگاه متروی شلوغی پرسه بزیند، بی‌شمار آدم‌های شبیه هم را می‌بیند. افرادی ساکت و عموماً عبوس که قرار است روز کاری‌شان را با طی مسیری آغاز کنند. هر چه نظام اداری جامعه پروازتر شود احتمالاً باید شاهد تعداد بیشتری از این افراد باشیم. اما رویه ثابت این نظام اداری و هنجاری که از سوی سازمان‌ها به کارمندان تحمیل می‌شود ممکن است به از بین رفتن سلايق و به نوعی به یکسان‌سازی رفتاری آدم‌ها تبدیل شود. به این معنا که ما حالا شاهدیم ۱۲میلیون آدم رفتاری شبیه هم دارند و دیگر فردیت در این میان معنایی ندارد و بدتر این‌که این موضوع حاصل معرفی یک رفتار به عنوان هنجار مورد قبول سازمان‌های اداری است. اما اگر قرار باشد آن را ارزش‌گذاری کنیم اساساً این شبیه شدن‌ها بد است؟ موسوی معتقد است: «بسیاری از خلق‌وخوهای ایرانیان که اتفاقاً به آن مشهور شده‌ایم حاصل رواج این رفتار در فضای کارمندی است. به‌عنوان مثال بسیار معروف است که می‌گویند جامعه ایرانی روحیه همکاری جمعی ندارد اما این ماحصل حضور افراد در نظام اداری است و هر زمان که فضا به هم بریزد و ما از زندگی کارمندی خارج شویم بسیار همکاری استواری باهمدیگرداریم. وقتی ما در عرصه‌هایی که مولفه‌هایش غیر از مولفه‌های زندگی کارمندی است حضور پیدا می‌کنیم همکاری‌مان شدیداً و عمیقاً شگفت‌آور می‌شود.»]</p>	<p>۱۲ میلیون آدم شبیه هم</p>
--	------------------------------

نوجوان ۱۵ ساله را از مقابل مدرسه ربودند

ماجرای دزدیدن نوجوان ۱۵ ساله و اخاذی از خانواده‌اش موضوع روز حوادث دوم اسفند ۲۰ سال پیش جام‌چم است. نکته جالب توجهی که حالا با این گذر زمان در این گزارش به چشم می‌خورد «درخواست پنج میلیون تومانی آدم‌ربایان» از خانواده این نوجوان به ازای آزادی او بوده‌است!

بُورس کشاورزی راه‌اندازی می‌شود

وزیر وقت کشاورزی دوم اسفند ۸۰ در همایش دستاورد‌های مورد انتظار بورس کالاهای کشاورزی اعلام کرده‌بود؛ هم‌اکنون وضعیت نابهنجاری بر بازار عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی حاکم است و امید می‌رود با راه‌اندازی بورس کالاهای کشاورزی در اوایل سال آینده این معضل حل شود.

دانشجویان ناراضی از تحصیل

در صفحه جامعه دوم اسفند ۸۰ روزنامه‌چم جم نتایج پژوهشی ازسوی دفتر مرکزی مشاوره دانشجویی وزارت بهداشت منتشر شده که نشان می‌دهد ۴۰ درصد دانشجویان آن سال از رشته تحصیلی خود ناراضی بوده‌اند.

سفر کاریکاتورها به دور دنیا

گزارش اصلی یکی از صفحات فرهنگی ۲۰ سال پیش جام‌چم مربوط به اولین نمایشگاه گروهی کاریکاتوریست‌های ایرانی در زاگرب است. احمد عربانی، گل محمد خداوردی و اردشیر رستمی ازجمله‌حاضران در این نمایشگاه‌هستند و نکته‌جالب این‌که گزارش توسطمسعود شجاعی طباطبایی از کاریکاتوریست‌های نام‌آشنای ایران نوشته شده‌است.

الگوی برتر، اقتصاد ۳ بخشی است

دکتر ابراهیم رزاقی، استاد اقتصاد دانشگاه تهران هم‌مان صفحه اقتصاد جام‌چم بوده‌است. او در بخشی از گفت‌وگویش عنوان کرده «یکی از مشکلات ما این است که همیشه سیاست‌زده بوده‌ایم و به جای تشکلهای صنفی به حزب فکر کرده‌ایم.» و البته در بخش دیگری که تیتتر گفت‌وگو هم از آن وام گرفته، عنوان شده‌است «الگویی که در قانون اساسی مدنظر قرار گرفته همان است که در زمان کاندی در هند اجرا شد؛ مطابق این الگو اقتصاد به سه بخش خصوصی، تعاونی و دولتی تقسیم می‌شود.»

ملت ایران عقب نمی‌نشیند

هم تیتتر یک روزنامه و هم مطلب اصلی صفحه سیاسی جام‌چم ۲۰ سال پیش اختصاص دارد به پیام رهبر معظم انقلاب به کنگره عظیم حج که اشاره‌های آشکاری هم به تهدیدهای آن روزهای آمریکا دارد. در بخشی از این پیام ثبت شده در روزنامه آمده: «ایران اسلامی از سوی سردمداران کاخ سفید به اخلال در روند صلح متصف می‌گردد؛ غافل از این‌که تجاوز ناعادلانه به حقوق ملت فلسطین و غصب سرزمین آن‌ها که به دروغ صلح نام گرفته، برای ناکامی خود، محتاج اخلال کسی و دولتی نیست.»



طلای جهان و المپیک، نتیجه یک جرقه نیست

عباس مرادی هم هم‌مان صفحه ورزش جام‌چم بوده‌است. دوم اسفند ۱۳۸۰ رئیس فدراسیون ورزشی که البته امروزه مشخص شده یکی از پردوام‌ترین روسای فدراسیون ورزشی ایران هم بوده، به جام‌چم گفته‌است: «وقتی به فدراسیون آدم فقط ۱۰۰ روزه بردار رسمی داشتیم اما حالا حدود ۱۵هزار روزه‌بردار سازماندهی شده داریم.»